

اربعین؛ کمال عاشورا است



اربعین بازگشت قافله‌ای است به کربلا که 40 روز سخت، دشوار و غمبار را پشت سر گذاشته است؛ قافله‌ای که باید در اوج شکستگی باشد...

اربعین بازگشت قافله‌ای است به کربلا که 40 روز سخت، دشوار و غمبار را پشت سر گذاشته است؛ قافله‌ای که باید در اوج شکستگی باشد، اما اینک سرفراز و پیروز بازمی‌گردد؛ شرنگ شکست را در کام عبیدالله و یزید ریخته است. قدرت غاصبانه آنان را به باد انتقاد گرفته و پرده‌های دروغ، فریب و تزویر را پس زده است تا تماشای حقیقت را ممکن سازد. اربعین تجسم رسوایی ستم است و پیروزی حق مظلوم.

«اربعین انتهای جاده اسارت است و ابتدای اسارت ستم. اگر نگاهی از جنس حقیقت آن سوی اربعین را می‌دید 33 هزار زنجیری را می‌دید که پیشاپیش آنان یزید، عبیدالله و عمر سعد در سلسله و غل بودند.»

1. اربعین روز پایان حیرت، سردرگمی، بهت و ضلالت است. اربعین، روز باز کردن چشم هاست که در زیارت اربعین می‌خوانیم و «بذل مهجته فیک لیستقذ عبادک عن الجهالة و حیره الضلالة» حسین خورش را در راه تو بخشید تا بندگان را از جهالت و سردرگمی گمراهانه رها کند.

2. اربعین، عدد کمال است؛ کمال تابستان، چله تابستان است و کمال زمستان، چله سالگی سن کمال است و نقطه بعثت و برانگیختگی پیامبران؛ اربعین روز رسیدن به کمال است. کمال عاشورا، اربعین است؛ کمال همه رفتن‌ها، کمال همه تکاپوها و تلاش‌ها. کربلا در اربعین آینه به قله رسیدگانی است که 40 منزل تا مقصد را یک نفس و هم نفس می‌پیمایند و در این راه رخوت، سکون و عقبگرد نمی‌شناسند.

3. در زیارت نامه اربعین می‌خوانیم: و قد توازر علیه من غرته الدنيا و باع خطه بار ذل الادنی و شری آخرته بالثمن الاوکس و تغطرس و تردی فی هواه و اسخطک و اسخط نبيک و اطاع من عبادک اهل الشقاق و النفاق و حمله الاوزار المستوجبین النار فجاهدکم فیک صابرا محتسبا حتی سفک فی طاعتک دمه

در آن روز، تاریک دلانی مقابل حسین ایستادند که فریب خوردگان دنیا بودند و به فروترین و بی‌ارج‌ترین بها خود را فروخته و آخرت خویش را از سر غرور و حماقت به اندک قیمتی به حراج و تاراج سپرده بودند. فریب خوردگانی که واژگون در چاه هوس‌ها افتاده و خشم حسین(ع) و پیامبر(ص) را برانگیخته و به پیروی از بی‌آبرویان و دورویان، جهنم را بر دوش گرفتند و خون حسین(ع) را که صبورانه و عاشقانه مجاهدت می‌کرد، ریختند و حرمت حرمتش را نامردمانه شکستند. لعنت و بال‌آمیز و سنگین بر آنان باد.

اربعین، روز برائت و بی‌زاری از این خصلت هاست. روز نفرت و بی‌زاری از هواپرستی، خودپرستی و دنیاپرستی است. اربعین روز دیدن ناکامی دنیازدگان است؛ روز فهم قیمت انسان. اربعین درک حطی است که باید از آخرت ببریم و این درک و حظ، بی‌خط کشیدن بر دنیای فریبناک ممکن نیست.

4. بازگشت به کربلا، نوعی تجدید عهد با شهادت. تکریم و تجلیل شهید و راه شهید است. زیارت شهید، مرور و ذکر راه شهید است.

5. در عاشورا، خداوند میراث همه انبیا را به حسین(ع) بخشید. (و عطیته موارث الانبیا) روز اربعین روز بخشیدن این میراث به تاریخ است. عاشورا نمایشگاه بخشش خدا به حسین و اربعین نمایشگاه بخشش حسین(ع) به انسان و تاریخ است.

6. سلام، پل پیوند با کسی که بر او سلام می‌دهیم. روز اربعین روز سلام و پیوند با شهیدان و با آرمان شهیدان کربلاست و این سلام، سلام به فداکاری، ایمان، ایثار، خلوص، آزادی، عزت، امر به معروف و نهی از منکر است.

اربعین روز سلام به صحابه حسین(ع) است. سلام به جان های صیقل خورده است و این سلام یعنی سلام به معرفت، یقین، عبادت، رادی و آزادی و آزادگی. روز اربعین روز بیعت با خوبی و خوبان است. زیارت است و همراهی و همدلی و همدایی.

اربعین پایان هجران و آغاز وصال است.

روز، روز چشم به حسین(ع) و راه او گشودن است و رهنمود راه او بودن، هر چند این راه با زخم و درد و طعن و تازیانه و تحقیر و تلخی طی شود.

اربعین همیشه «راهرو» ماندن است.

دکتر محمدرضا سنگری / پژوهشگر و مدرس دانشگاه